

لاستیک سازی البرز از آغاز تا حال

هاله صفرزاده

سه شنبه پنجم شهریور ۱۳۸۷



کیان تایر یا لاستیک سازی البرز یکی از ۹ شرکت لاستیک سازی در ایران است که در یک سال گذشته اعتصابات کارگری زیادی را داشته است. کارفرما در ابتدای سال اقدام به فروش مقدار قابل توجهی از مواد اولیه ی لازم برای تولید لاستیک از کارخانه کرد و اکنون که انبارها از کالاهای تولید شده خالی شده و امکان تولید برای کارگران وجود ندارد. کارفرما برای زمین کارخانه مجوز ساخت شهرک مسکونی در یافت کرده و خواهان اخراج کارگران و تعطیلی کارخانه است و از هرگونه مذاکره ای

با کارگران خوداری می کند. آنان هر روز در محل کار خود حاضر شده و با تجمع در محوطه کارخانه خواهان احقاق حقوق خود و بازگشایی کارخانه هستند. در روز ۲۲ مرداد با زدن میله های آهنی به نرده های محوطه سعی در جلب نظر مردم داشتند و اعتراض خود را به وضع موجود این گونه ابراز کردند. کارگران مدتهاست که هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران و کارمندان بخش اداری این

کارخانه با اینکه کاریبرای انجام ندارند، اما هرروز بر سر کار خود حاضر می شوند.

و این همان داستان تکراری خصوصی شدن و اختصاصی شدن است که در چندین ساله اخیر ادامه دارد و هیچ کس هم پاسخ گو نیست، زیرا که دست اندر کاران همان مسئولانند.

ظرفیت تولید تایر درجهان حدود ۱/۵ میلیارد حلقه و تقاضای جهانی برای این کالا نیز حدود ۱/۲ میلیارد حلقه با ارزش معاملاتی ۷۰ تا ۸۰ میلیارد دلار در سال است. هم اکنون بیش از ۸۰ درصد سهم تجارت جهانی تایر در اختیار ۱۰ شرکت بزرگ تولید کننده است که اغلب در زمینه تولید تایرهای رادیال فعالیت دارند، براساس آمارهای اعلام شده، در منطقه خاورمیانه نیز حدود ۲۲ کارخانه تایر سازی وجود دارد که از این تعداد، ۹ کارخانه با ظرفیت اشتغال حدود ۱۴ هزار نفر در ایران واقع شده است. به گفته وزیر صنایع و معادن «این صنعت زمینه اشتغال زایی ۷۰ هزار نفر را نیز به صورت غیرمستقیم در پی داشته است.»

حال سوال مهم این است چرا صنعتی که می تواند درآمد زا باشد و اشتغال تعداد زیادی را در ایران تامین کند، باید به این سرنوشت دچار شود؟

صنعت تایر یکی از صناعی است که شاهد تحولات سریع جهانی میباشد. استفاده از تکنولوژیهای جدید جهت کاهش هزینه ها، ارتقای کیفیت و در نتیجه افزایش توان رقابتی محصولات از جمله مواردی است که در این صنعت باید مورد توجه

قرار گیرد. هر چند همه متخصصان اذعان دارند که در داخل کشور از دیدگاه تکنولوژی و متخصصان و تحصیل کردگان مشکل نداریم. در خود صنعت هم افراد مجربی داریم که دانش و تجربه خوبی در چند دهه گذشته کسب کرده اند. و تنها با آینده نگری و دلسوزی و برنامه ریزی صحیح میتوان این صنعت را به سطح قابل قبولی رساند. اما همانند سایر صنایع انگار هیچ دلسوزی در ایران در این زمینه وجود ندارد. به عنوان مثال در زمانی که همه دنیا داشت به سمت تولید تایر رادیال میرفت سیاستگذاران اقدام به خرید ماشین آلات بایاس و وارد کردن آن به ایران کردند یا با واردات بی رویه مانع از به فروش رسیدن تایرهای تولیدی شرکت های تولید کننده داخلی شده و این شرکت ها ضرر می کنند. بر اساس آخرین آمارهای رسمی، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از نیاز ۲۳۰ هزار تنی (سالانه ۱۷ میلیون حلقه) بازار داخلی به انواع تایر، از طریق واردات انجام می گیرد. بخش زیادی از تایرهای موجود در بازار نیز از طریق قاچاق وارد شده اند.

رییس اتحادیه فروشندگان لاستیک و روغن تهران در این رابطه در مصاحبه ای اعلام کرد: « ۹۹ درصد از لاستیک های وارد شده از چین و امارات متحده عربی است و چینی هستند و غالباً توسط تاجران غیر حرفه ای وارد بازارهای مصرف داخلی می شود و نکته تاسف بار، آنکه این لاستیک ها بیش تر از سه ماه کار نمی کنند و عمر آنها تا یک چهارم کمتر از تایرهای تولید داخل است.» کیفیت آن ها حدود ۳۰ درصد پایین تر از لاستیک های تولید داخل است. و از تاریخ استفاده این کالاها مدت زمان زیادی گذشته است. استفاده از این کالاهای بدون کیفیت، مصرف کنندگان را با خطرات جانی روبه رو خواهد ساخت.» یکی از اعضای انجمن اسلامی صنف لاستیک فروشان گفت: «واردات این لاستیک ها توسط افراد خاصی صورت می گیرد، این افراد با برخورداری از روابطی که با برخی از اعضای وزارتخانه دارند به راحتی اقدام به وارد کردن این کالاها می کنند. این افراد با به کار بردن تدابیری خاص، حتی تاییدیه موسسه استاندارد را نیز دریافت می کنند، برای مثال لاستیک هایی که به عنوان محموله نمونه وارد شده و به موسسه استاندارد تحویل میشود، با لاستیک هایی که به صورت عمده وارد می شود، متفاوت است. بر این اساس، نمونه های تحویل داده شده به موسسه استاندارد از کیفیت بالایی برخوردار است در حالی که محموله وارد شده تقلبی و بی کیفیت است.» و بدین ترتیب صنعت لاستیک سازی به دنبال صنعت نساجی، کفش، لباس و شکر... در هجوم واردات محو میشود و اما آن چه بر سر شرکت لاستیک البرز و کارگران آن آمده است:

تاریخچه شرکت لاستیک البرز

لاستیک البرز که اولین تولیدکننده تایر در ایران است، نه تنها در زمینه تولید انواع تایر از جمله تایر لیفتراک و تولید تایرهای کشاورزی، بلکه در راستای تولید قالب تایر، ساخت ماشین تایر سازی و نیز انتقال فن آوری ساخت تایرهای سواری، کشاورزی و آموزش به دیگر کارخانه های تایر سازی ایرانی پیشتاز بوده است. زمانی میزان صادرات این شرکت به ۱ تا ۱/۵ میلیون دلار می رسید که عمدتاً به کشورهای حوزه خلیج فارس و افغانستان و عراق بود.

لاستیک البرز که تکنولوژی قدیمی داشت، در سال ۶۹ با هدف به روز کردن تکنولوژی، توافقی با شرکت های فروشنده تکنولوژی صورت گرفت که در سال ۷۲ به علت تغییر سهام داران و اهمیت ندادن آنان به بحث انتقال تکنولوژی، این کار عملی نشد. تنها در یک مقطع برای تولید تایر سواری استیلانت، با TRI روسیه قراردادی بسته شد که تکنولوژی رادیال استیل خریداری شد، اما به بهره برداری نرسید و فقط بخشی از تکنولوژی موجود با استفاده از تکنولوژی شرکت روسی بهینه شد. در آخرین مراحل کار این واحد، تایر رادیال نخی در شرکت تولید میشود.

این شرکت که در حومه تهران بود و اکنون در درون شهر قرار گرفته، در سال ۱۳۴۱ و با ظرفیت ۸۰۰۰ تن در سال برای تولید انواع تایرهای سواری، وانتی، باری و صنعتی با نام "بی.اف.گودریچ ایران" و با مشارکت امریکایی‌ها در تهران آغاز به کار نمود. در سال ۵۴ پس از فروش سهام شرکت، به کیان تایر تغییر نام یافت. در سال ۱۳۵۸ شرکت کیان تایر تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران قرار گرفت. در سال ۱۳۷۳، حدود ۶۲/۸ درصد از سهام شرکت به بخش خصوصی واگذار شد (۱) و در سال ۱۳۷۹ این میزان سهام به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی منتقل شد و متعاقب آن نام شرکت به شرکت تولیدی لاستیک البرز تغییر یافت. گفته می‌شود که وزارت اطلاعات ۵۱ درصد سهام این شرکت را خرید و با مشارکت یک شرکت خارجی (۹۴ درصد سهام را دارا بود) کار را ادامه داد. وزیر اسبق اطلاعات در پاسخ به این سؤال که آیا خرید کارخانه تولید لاستیک کیان تایر و رونق این مجموعه تولیدی ورشکسته، در حیطه‌ی اختیارات وزارتخانه بود یا نه پاسخ داد: کارخانه کیان تایر متعلق به صندوق بازنشستگی وزارت اطلاعات بود و این مسئله را نمی‌توان به وزارتخانه ربط داد.

"در حال حاضر بسیاری از دستگاه‌ها از جمله صدا و سیما، در قالب صندوق بازنشستگی فعالیت‌های مختلف اقتصادی دارند که این کار برای تقویت بنیه مالی کارکنان دستگاه‌ها به ویژه در دوران بازنشستگی انجام می‌شود تا در پرداخت مستمری آنها خللی ایجاد نشود". وی عنوان کرد که توانسته‌اند با "مدیریت نرم افزاری جدید" روند تولید را بهبود بخشند. (۲) سه یا چهار سال پیش نیز این شرکت لاستیک‌سازی البرز به فردی به نام مهدی شرفی واگذار شد. به گفته‌ی کارگران این فرد تخصصی در زمینه‌ی این صنعت ندارد. وی با قصد شهرک سازی در زمین کارخانه اقدام به خرید این واحد تولیدی کرده است و هم اکنون حتماً مجوز ساخت شهرک را نیز گرفته است. به گفته‌ی کارگران ایشان پرونده قضایی دارد و سابقه بازداشت نیز دارد.

این نحوه واگذاری آنقدر بی‌ضابطه بوده است که در گزارش تحقیق و تفحص قوه قضاییه در مجلس مطرح شده است. در بخشی از این گزارش باتیتر واگذاری سهم شرکت داروسازی الحاوی چنین آمده است:

در سال ۱۳۷۱ واگذاری ۳۳ شرکت دولتی توسط مدیرعامل سازمان صنایع ملی از وزیر وقت صنایع تقاضا می‌شود. واگذاری این شرکت‌ها عمدتاً بدون رعایت تشریفات قانونی و صرفاً از طریق مذاکره با خریدار صورت گرفته است که برای اکثر آن واگذاری‌ها در بازرسی کل کشور پرونده تشکیل شده است. به عنوان نمونه می‌توان به واگذاری شرکت مجتمع پشتیبانی پارس فستون اصفهان - شرکت بافت آزادی - شرکت کارخانجات رادیو و تلویزیون پیام - شرکت سهامی نازنخ - شرکت دارویی الحاوی - دستمال کاغذی حریر - لعاب ایران - داروسازی امین - داروسازی کوثر - کیان تایر - پارس توشه - سولفور سدیم - سیمان لوشان - الکتریک البرز - دستمال کاغذی نوظهور اشاره نمود که در این مختصر با توجه به مشابه بودن پرونده‌ها به واگذاری شرکت الحاوی اشاره می‌کنیم.

وزیر صنایع وقت در تاریخ ۲۷/۴/۷۳ با واگذاری شرکت مذکور به مبلغ هفت میلیارد ریال به صورت بیست درصد نقد و هشتاد درصد با اقساط ۴ ساله موافقت می‌نماید. مبلغ هفت میلیارد ریال بر اساس نظر کارشناسی سال ۷۱ بوده است که در سال ۷۳ با توجه به تورم ویژه آن دو سال توجهی به افزایش قیمت نشده است.

با وجود تصویب قانون نحوه واگذاری سهام دولتی مصوب ۷۳/۵/۱۲ و صراحت ماده ۱۱ این قانون مبنی بر «موظف بودن دولت جهت متوقف کردن معاملات موضوع این قانون در هر مرحله‌ای که باشد» متأسفانه سهام مذکور به دو نفر از

خریداران به صورت غیرقانونی با ثمن بخت و اگذار می‌گردد.

بازرسی کل کشور با تشکیل پرونده مدیر عامل وقت سازمان صنایع ملی و معاون ایشان را به همراه دو نفر از خریداران متخلف به دادگاه معرفی می‌نماید. در طول ده سال یعنی از سال ۷۴ تا سال ۸۴ با وجود مکاتبات سازمان بازرسی کل کشور از سوی دادگاه حکمی در این زمینه صادر نشده است. ریاست سازمان بازرسی طی نامه‌ای از ریاست قوه قضائیه برای دستور رسیدگی به این پرونده استمداد نموده است و ریاست قوه به رئیس دادگستری تهران دستور پیگیری داده است. با وجود دستور ریاست قوه قضائیه متأسفانه علت اطاله دادرسی ده ساله بررسی نشده و با قضات پرونده برخورد لازم صورت نگرفته است و از نتیجه هنوز اطلاعی در دست نمی‌باشد."

این در حالی است که در سال ۷۶ کیان تایردر میان فهرست ۱۰۰ شرکت رتبه اول ایران با ۱۷۸ میلیارد ریال فروش در مرتبه ۶۸ قرار داشت. اما در سال ۸۳ این شرکت در بازار بورس در لیست سیاه شرکت‌ها قرار گرفت از جمله لاستیک البرز و دنیا. دلیل این امر این گونه عنوان شده که در دو سال گذشته در شرایط ضرردهی باقی مانده‌اند در حالی که سهام شان در یک سال گذشته ۲۵٪ افزایش قیمت داشته است. این گزارش رشد قیمت سهام این گروه را غیرمنطقی اعلام کرده است.

در اسفند ۸۵ نیز همچنان سهام لاستیک البرز (۱۰٪) و دنیا (۱۵٪) به عنوان سهام شناور برای فروش در بازار بورس اعلام شد. (ابرار اقتصادی)

و در خرداد ۸۷ لاستیک البرز در لیست شرکت‌هایی آمده است که به دلیل ضرردهی تا پایان شهریور ماه احتمال حذف از بازار بورس را دارند. نام برخی از این شرکت‌ها آشناست: شرکای صنعتی، قوه پارس، کارخانجات تولیدی تهران، لاستیک البرز (کیان تایر)، کمپرسورسازی ایران، پارسیلون، یخچال‌سازی لرستان، نساجی بابکان، نساجی خوی، ریسندگی و بافندگی کاشان، از جمله شرکت‌های باقی مانده در بورس بودند. (خبرگزاری مهر)

تمام این واحدهای تولیدی با مشکلات عدیده‌ای از جمله عدم تولید، تعطیلی و ... روبرو بوده‌اند و کارگران این واحدها بارها اعتراضات خود را به اشکال مختلف ابراز کرده‌اند. بدون این که گوش شنوایی برای اعتراضات آنها وجود داشته باشد.

مشکلات کارگران لاستیک البرز

در تمام این سال‌های دست به دست شدن و ریخت و پاش و ... کارگران در سختترین شرایط کار کرده‌اند. بیشتر دستگاه‌های آن متعلق به همان دوران اولیه راه‌اندازی شرکت می‌باشد. در سال‌های این شرکت بوی پختگی لاستیک و گرمای زیاد غیر قابل تحمل بود و تنفس در آن بسیار مشکل. تهویه و نور مناسبی نیز وجود نداشت که حاکی از عدم رعایت استانداردهای بهداشتی بود. شدت کار و سنگینی کار به حدی بالا بود که کارگران برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی کمر و ستون فقرات خود کمر بند و زنه برداری استفاده می‌کردند. قدمت دستگاه‌های لاستیک زنی احتمال حوادث را به شدت بالا می‌برد. حدود ۱۲۰۰ کارگر در سه شیفت مختلف و متوالی در این شرکت مشغول به کارند. بسیاری از کارگران قدیمی و با سابقه ۲۵ سال مشمول تعدیل نیرو شده‌اند. از آن پس بیشتر کارگران قراردادی و جوان بدون امنیت شغلی و به شکل روزمزدی و قراردادی سه ماه کار می‌کردند.

از بهمن سال ۸۶ اعتراضات و اعتصاب کارگران این واحد آغاز شد.

این کارگران در هفته ی اول بهمن دست از کار کشیده و در محل کارخانه متحصن شدند. این کارگران دلیل این اعتصاب شبانه روزی را پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق و مزایا و نامشخص بودن آینده شغلی خود اعلام کرده بودند. تعداد ۲۰ نفر از کارگران با پوششی شبیه به کفن در بالای اتاقک نگهبانی کارخانه مستقر شده بودند و در دست خود پلاکاردهایی داشتند که بر روی آنها شعارهایی با مضامین صنفی به چشم می خورد. از جمله این شعارها «حکومت عدل علی/ این همه بی عدالتی» و «مسئول بی لیاقت این آخرین پیام است/ جنبش کارگری آماده قیام است». در حالی که عوامل انتظامی و امنیتی بیرون و در اطراف کارخانه مستقر بودند، اعتصابکنندگان در داخل کارخانه با روشن کردن آتش، شعارهای اعتراضی سر می دادند که مضامین آن را اعتراض کارگران نسبت به کم توجهی و بی لیاقتی مسوولان مربوطه تشکیل می دهد.

از آنجایی که کارخانه در مجاورت مسیر تهران - اسلامشهر قرار دارد، برگزاری این اعتصاب باعث اخلاص در رفت و آمد خودروهای عبوری در این مسیر شد. آتش زدن ضایعات این واحد تولیدی باعث جلب توجه ساکنان مناطق اطراف این کارخانه شده بود.

دبیر خانه کارگر اسلام شهر، مشکل کارخانه کیان تاپر را خصوصی سازی آن ذکر کرد و گفت: «متأسفانه در واگذاری واحدها به بخش خصوصی، شرایط به گونه ای شده است که مالکان جدید بیشتر به فکر سود، صلاح و منفعت شخصی خود هستند و از آنجا که می توانند واحد را به سرمایه تبدیل کنند، بنابراین سعی دارند با پرداخت نکردن حقوق و انعقاد قرارداد موقت با کارگران، فشار بر آنها را افزایش دهند و بعد به نوعی، واحد را به سرمایه تبدیل کنند.» وی افزود: «اگر در آینده، این شرکت اعلام ورشکستگی کند، مالکان آن می توانند سرمایه هنگفتی به دست آورند و انگار هدف نهایی نیز همین است که با این کار، تعداد زیادی از کارگران هم بیکار شوند... در این شرایط دیگر توجهی به این موضوع نمی شود که کارگران کار خود را از دست می دهند و نمی توانند پاسخگوی نیازهای خانواده شان باشند. به همین دلیل، کارگران می دانند که اگر مقاومت نکنند و کارخانه را حفظ نکنند، به سیل بیکاران خواهند پیوست.

در روز ۱۳ بهمن بنا به توافق بین کارگران و کارفرما، کارگران اعتصابی به سر کار خود برگشته و تولید را از سر گرفتند. اما کارفرما به هیچکدام از وعده های خود عمل نکرده است و نه تنها برای پاسخگویی به کارگران به کارخانه نیامده است، بلکه حتی به تماسهای تلفنی کارگران نیز پاسخ نداده است. در مقابل، کارگران با روشن کردن آتش و تجمع در محوطه کارخانه از ۱۴ بهمن اعتراض خود را از سر گرفتند. شورای اسلامی کار که از به خیابان آمدن کارگران نگران بودند، برای آرام کردن کارگران از آنها مهلت خواستند تا پادرمیانی کنند و از نماینده ای از مجلس اسلامی و نماینده ای از دفتر رییس جمهور خواستند که به میان کارگران بیایند و به آنها جواب بدهند. اما کسی حاضر نشد به میان کارگران بیاید و به مشکلات آنها رسیدگی کند. نیروهای انتظامی نیز در اطراف کارخانه مستقر شده بودند.

اعتراض بعدی کارگران کیان تاپر با مقابله پلیس ضد شورش روبرو شد. در روز. شنبه ۲۴ فروردین کارگران لاستیک البرز، پس از اعتصاب های زیاد در زمستان سال گذشته به علت به تعویق افتادن ۶ ماه حقوق و عیدی با آتش زدن ضایعات و با دادن شعار اعتراض خود را به این همه بی عدالتی نشان دادند... جاده اسلامشهر - تهران به مدت ۸ ساعت کاملاً بسته شد. در ساعت ۶،۳۰ عصر یگان ویژه با بلدزر دیوار و در شرکت را خراب کرده و وارد شرکت شد و شروع به ضرب و شتم کارگران نمود، که کارگران ابتدا در مقابل آنها مقاومت کردند ولی نیروهای یگان ویژه با خشونت، کاملاً آنها را سرکوب کردند و تعداد زیادی از آنها را بازداشت و توسط ۲ اتوبوس به مکان نامعلومی انتقال دادند. کارگران هنگامی

که با یورش ماموران گارد ویژه مواجه شدند، شعار می دادند: "حکومت عدل علی؛ اینهمه بی عدالتی". در این ماجرا خبرنگار دسترنج نیز بازداشت شد و کارکنان آتش نشانی که از ریختن آب جوش بر روی کارگران اعتراضی خودداری کرده بودند، نیز بازداشت شدند. بازداشت شدگان نیز به پاسگاه احمد آباد مستوفی منتقل شده‌اند. نیروهای پلیس روز بعد با کمک کارگران شهرداری، نقاط تخریب شده در درگیری‌های شب قبل را بازسازی کرده‌اند. یکی از کارگران در مورد حادثه چنین گفت: "نمی دانم چه اندازه خبر دارید. مثل حیوان به جانمان افتادند و کتک مان زدند. بهانه شان این بود که اگر مسالمت‌آمیز می گفتید موضوع را حل می کردیم. اما دروغ می گفتند. ما بارها مسالمت آمیز موضوع را مطرح کردیم. مگر دیوانه هستیم که الکی به خیابان‌ها بریزیم. اما به حرف‌هایمان گوش نکردند. وقتی هم که اعتراض کردیم. با باتوم و گاز اشک آور و آبجوش به جانمان افتادند. ... اینها یک مشت دروغگو هستند و هر بلایی که می خواهند سر کارگر در می آورند. ممکن است با ادامه دار شدن این تحصن‌ها دستگیرمان کنند. حداقل به زندان برویم شرمنده زن و بچه‌مان نمی شویم. شش ماه است حقوق نگرفته‌ایم. بود و نبودمان برای خانواده‌هایمان فرقی ندارد... وقتی ما با این‌ها صحبت می کنیم و می گوئیم حق‌مان را بدهید فکر می‌کنند داریم گدایی می‌کنیم و به جای حق و حقوق‌مان هر بلایی که بخواهند به سرمان می‌آورند."

در روزهای بعد با تجمع خانواده‌ی کارگران بازداشتی در پاسگاه مستوفی، تعدادی از آنان آزاد شدند. این اعتراض و سرکوب به شکل وسیعی در مطبوعات و سایت‌ها منعکس شد و حتا دبیرکل خانه کارگر در مجلس در تذکری آئین نامه‌ای خطاب به وزیر کشور، خواستار پاسخگویی وی در قبال برخورد ماموران انتظامی با کارگران شرکت لاستیک‌سازی البرز شد. (مردم سالاری) وی اعلام کرد: "کارگران مداخله مدیران دولتی را تنها راه پایان دادن به بحران کارخانه لاستیک البرز می‌دانند. به موجب مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار چنانچه در يك واحد تولیدی اختلاف میان کارگران و کارفرما منجر به تعطیلی کارضمن حضور کارگر شود هیات وزیران میتواند تا زمان حل شدن اختلاف کارگاه را به حساب کارفرما اداره کند.

در آن روزها مقامات مسول اعلام کردند که حتا اگر سهامداران و مالکان این کارخانه بخواهند با تعطیل کردن کارخانه به فعالیت‌های انبوه‌سازی بپردازند، دولت به آنها اجازه تغییر کاربری زمین کارخانه را نخواهد داد.

در این زمان نمایندگان کارگران کارخانه لاستیک البرز با بخش‌داری شهرستان اسلامشهر مذاکره کردند که نتیجه‌ای در بر نداشت. در این جلسه کارگران عنوان کردند که سهامداران شرکت ۱۶۰ تَن از ۲۰۰ تَن کائوچویی را که به عنوان مواد اولیه برای تولیدات کارخانه از بندر عباس راهی تهران بوده است، به مبلغ ۵۶۰ میلیون تومان و به بهانه‌ی پرداخت حقوق ماه‌های اردیبهشت و خرداد به بازار آزاد فروخته‌ا و این در حالی است که کارگران این کارخانه همیشه از کمبود مواد اولیه ناراضی بوده‌اند. اما هیچ مبلغی به کارگران پرداخت نشده است.

سهامداران طی تماس تلفنی اعلام کرده‌اند در صورتی که کارگران آتش اعتراضات را خاموش کنند و سرو صدایی در محوطه ایجاد نکنند، حقوق‌های عقب افتاده را یکشنبه پرداخت خواهند کرد. وعده‌ای که انجام نشد.

وی افزود: کارگران نیز بدون ایجاد سر و صدا در محوطه جمع شده‌اند و اعلام کرده‌اند تا وقتی که حقوق‌های عقب افتاده را دریافت نکنند، وارد کارخانه نمی‌شوند.

دبیرخانه کارگر اسلامشهر گفت: قوه قضاییه نیز به دلیل بدهی‌های این شرکت به کارگزارانش و مراکز دولتی مانند سازمان

تامین اجتماعی و بانک‌ها حکم پلمپ این واحد را صادر کرده و با این وضعیت این واحد در آستانه تعطیلی است. این وضعیت تا مرداد ماه نیز ادامه یافته است. از دهم مرداد، به گزارش "ایلنا"، مدیریت این کارخانه کارگران را برای ۳ روز به مرخصی اجباری فرستاد.

کارگران پس از بازگشت از مرخصی در منطقه جاده ساوه آتش روشن کردند و به دور آن تجمع کردند. کارگران اعتصابی اعلام کردند که اگر به اعتراض آنان توجه نشود در مقابل مجلس تجمع خواهند کرد. کارگران مدیر لاستیک البرز را مسئول وضعیت نابسامان این کارخانه می‌دانند: «مشکلات کارخانه از روزی که آقای شرفی چهار سال پیش کارخانه رو خرید، شروع شد. کار اصلی او، ساختمان سازی هست و در این حرفه تخصص ندارد. در واقع، آقای شرفی اینجا را خرید تا با تعطیل کردن کارخانه، برج سازی و ساختمان سازی کند.»

یکی از کارگران اعتصابی لاستیک البرز، در این زمینه با انتقاد از سکوت مسئولان در قبال خواسته های کارگران این کارخانه گفت: «معلوم نیست که چرا آقایان سکوت کرده اند و فکری به مشکل این کارخانه با قدمت ۵۸ سال و درد ما کارگران نمی‌کنند. آیا آنها حاضرند که به جای ما برای چند سال، حقوق های خود را با تاخیرهای چند ماهه بگیرند و حتی از پرداخت اجاره خانه و تهیه جهیزیه دختران دم بخت خود ناتوان باشند و آن وقت، شرمنده خانواده شان شوند؟ ... این مشکل باعث شد که یکی از همکاران ما که فقط محتاج ۳۰۰ هزار تومان بود، به خاطر برآورده نشدن درخواستش توسط کارفرما در دفتر کار او سخته کرد و جان سپرد.»

کارگران اعلام کردند که از گفتن خواسته‌هایشان به مسئولان خسته شده‌اند. آنان می‌خواهند که کارخانه به روال عادی برگردد و همانند گذشته تولید داشته باشد تا هم نیازهای کشور برطرف شود و هم کارگران همان حقوق بخور و نمیر خود را دریافت کنند.

این اعتراضات همچنان ادامه دارد. در روز هفتم مرداد ماه اعضای شورای کارخانه به منظور گرفتن مجوز برای تجمع کارگران در مقابل نهاد ریاست جمهوری مراجعه کردند، ولی این مجوز صادر نشد. (ایلنا) مردم منطقه نیز با مراجعه به شهرداری محل خواهان رسیدگی به وضعیت این کارگران شده‌اند.

یکی از کارگران این کارخانه گفت: قرار بود يك هفته تعطیلاتی تابستانی برویم ولی ما قبول نکردیم و گفتیم چهار ماه حقوق نگرفتیم و با این تعطیلات موافق نیستیم و تعطیلات را لغو کردیم. وی در ادامه افزود: «مشکل اصلی ما حقوق‌های معوقه و همچنین رکود تولید است. علیرغم این‌که کارگران در سرکار حاضر میشوند اما مواد اولیه نیست و به ناچار کار نمی‌کنند و بیکار هستند. باید اضافه کنم که حتی اگر مواد هم به کارخانه برسد به دلیل اینکه ماهها حقوق معوقه داریم تا حقوق خودمان را نگیریم، کار نخواهیم کرد. ما بارها گفته‌ایم آقای شرفی صلاحیت ندارد و نمی‌تواند کارخانه را اداره کند و ما با ایشان موافق نیستیم و در واقع آقای شرفی با این وضعیتی که ایجاد کرده است و تولید کارخانه را مقطعی کرده است کارخانه را به بحران کشانده و ما دیگر با ایشان کار نخواهیم کرد.»

رئیس سابق سازمان کار استان تهران در پاسخ به این سوال که آیا لاستیک البرز بحران کارگری نداشته و ندارد، گفت: این شرکت در وضعیت مناسبی قرار دارد و شرایط ادامه کار برای آن مهیا است، اما کارفرمای آن اشکال‌تراشی می‌کند و اراده‌اش بر ادامه فعالیت نیست.

آنگونه که می‌بینیم همه اذعان دارند که کارفرمای این واحد تولیدی بزرگ نمی‌خواهد تولید را ادامه دهد. سوال اینجاست

که چرا اقدامی منطقی و اصولی انجام نمی شود؟ در آخرین خبرها به نقل از کارگران نقل شده است که در روز ۲۱ مرداد یک فروند هلی کوپتر نیروی انتظامی تلاش کرده که در محوطه ی کارخانه فرود آید که کارگران مانع شده اند.

اما چاره کارگران چنین کارخانه هائی چیست؟ در شرایطی که صدها کارخانه از این نوع در سالهای اخیر با وضعیت مشابهی مواجه بوده اند و کارگران آنها پس از مدتی یابیه بیمه بیکاری معرفی شده اند و یا به اجبار به شهروندی دیگری کوچ کرده و به حاشیه شهرها رانده شده اند و برخیل حاشیه نشینها و آلونک نشین ها پیوسته از یک زندگی ابتدائی محروم شده اند کوچ کردن به زیر خط فقر گسترش کودکان و زنان خیابانی و انبوه آلونک نشینی در حال گسترش. اکنون تنها راه باقیمانده اتحاد کارگران در تمامی کارخانه ها از طریق ایجاد تشکیلات سراسری برای جلوگیری از نابودی کارخانه هایی است که با رنج سالیان کارگران بر پاشده است و سرمایه داران جز بهره کشی از آن کار دیگری انجام نداده اند. کارگران با گسترش تشکیلات خود در تمام کارخانه ها قبل از آنکه سرمایه داران بتوانند بقیه کارخانه ها را برای سودطلبی خود به تعطیلی بکشانند از طریق ایجاد تشکل های مستقل خود و همبستگی و حرکت سراسری جلو نابودی کارخانه ها را بگیرند و با هوشیاری از همان ابتدا مانع فروش مواد اولیه و یا تعطیلی بخشهایی از کارخانه شوند، تا سرمایه داران طمع کار نتوانند کارخانه را به تعطیلی بکشند. تنها از این طریق است که میتوان همراهی سایر کارگران در بخشهای دیگر را با خود داشت.

زیرنویس

* آنچه می خوانید با استفاده از گزارش ها و خبرهایی که در مورد این شرکت در یک سال گذشته در مطبوعات و رسانه های جمعی منتشر شده تهیه شده است.

۱- این نوع خصوصی سازی که در هیچ کجای دنیا مشابه ندارد در حقیقت واگذاری "به ثمن بخر" سرمایه های ملت ایران به گروهی از خودی هاست و ناقض حقوق مردم ایران است، هر چند که با ادعای افزایش و بهبود تولید انجام می گیرد.

در ابتدا شرکت هایی با مشخصات حقوقی مانند شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی آن را می خردند که در حقیقت دولتی هستند و سپس شرکت های دیگری مانند الغدیر، آتیه دماوند و ... آن را می خردند و بعد هم شرکت به مدیران و نزدیکان و خودی ها به اقساط فروخته می شود آن هم به قیمتی باورنکردنی. معمولاً اقساط نیز در ابتدا با فروش محصولات موجود در کارخانه و سپس ماشین آلات و ... پرداخت می شود، یعنی در حقیقت کارخانه را مجانی تصاحب می شود. در آغاز کار اقدامات نمایشی برای بهبود روند تولید انجام می دهند و حتی شرکت هایی صوری درست می کنند که مثلاً از شرکت خرید های کلان انجام می دهد و مدیران قلابی از پاداش کلان پایان سال هیئت مدیره بهره مند می شوند و شرکت های فامیلی تاسیس می کنند تا با کارخانه در خصوص تامین نیازهای آن طرف قرارداد شوند و ... مدتی بعد کم کم بحث تعدیل نیرو و تعطیلی موقت کارخانه برای تعمیرات و تغییر مکان. با دور کردن اجباری کارگران از محل کار و فرستادن آنان به مرخصی اجباری یا بیمه بیکاری، تخریب و تبدیل کارخانه به زمین آماده فروش و یا ساخت شهرک و ... آغاز می شود که نمونه ی آن را در بسیاری از جاها تجربه کرده ایم. مانند کارخانه ایران الکتریک رشت و ...

این بخش خصوصی " در ایران بازار انحصاری و بدون رقابت خرید صنایع را به دست دارد و از حمایت های قانونی، شبه قانونی و فراقانونی برخوردار است... شرکت لاستیک البرز و لاستیک دنا نیز از زمره ی این شرکت ها هستند. لاستیک دنا به بنیاد ... فروخته شد و قبل از کشیده شدن این موضوع به مطبوعات، سال ها در تبلیغات تلویزیونی وسیعی داشت. گفته می شود رئیس سابق قوه قضائیه از سهامداران اصلی شرکت دناست.

۲- (خبرگزاری مهر)



هاله صفرزاده

کانون مدافعان

حقوق کارگر

دوشنبه چهارم

شهریور ۱۳۸۷